

صدای سکوت

مصدر حوادث تاریخی هرملتی ساختمان فکری و روح آن ملت است .
مأمورین وزارت امور خارجه در کشورهای دقیق و مترقی برای حسن موفقیت
در حفظ و اداره روابط بین الدول و مناسبات بین الملل هر يك در زبان، تاریخ روحیه
و خلقیات مردم يك كشوری مطالعه و تخصص می جویند .
آن بیگانه های که ممیزات اخلاقی و عقلی يك ملتی را نداند تاریخ آن ملت
رایك دسته حوادث پریشان و وقایع اتفاقی می پندارد و عامل مؤثر را تصادف می شناسد

و هر گز نمی‌تواند عکس‌العمل احتمالی يك ملت را در مقابل وقایع غیر مترقبه پیش‌بینی کند ولی اگر خصائص اخلاقی و معتقدات باطنی مردم را تشخیص داد خواهد دانست که حوادث تاریخ معلول انفاق و صدقه نبوده و حیات اجتماعی هرملتی نتیجه مستقیم ساختمان فکری، روحیه و خلیات آن ملت است و بندرت عوامل دیگری در آن مدخلیت پیدا میکند و اگر بعلمتی غیر عادی و غیر طبیعی احزاب و طبقات زیر بیرق‌های گوناگون قرار گیرند باز همگی بطرف يك نقطه می‌روند و آخرین نقطه مقصود همان چیزی است که ملت آن را می‌خواهد زیرا هرملتی مطیع نظریات و ساختمان فکری خویش است و نمی‌تواند از نتایج نظریات و خصائص معتقدات عقلی خود فرار کند و اگر هم منحرف شود موقتی است و بزودی بمجرای طبیعی خود بر می‌گردد.

یعنی اگر باد شن را از زمین برداشت و به هوا برد، نباید باور کنیم که ناموس نقل نقض شده است.

همانطور که آثار استقلال از تمام مظاهر حیاتی انگلستان لامع است. همانطور که نشاط و پشت کار، عزم و اراده افراد سلطه و حکومت دولت را در آمریکا محدود و کوچک می‌کند.

همانطور که هنوز پایه عقائد اسلامی پس از قرون متوالی و انواع شکست و فتح چنان در روح پیروان آن ثابت است که گوئی نخستین سالهای ظهور و پیروزی است.

ملت ایران هم به خدا پرستی و شاهدوستی متصف است و هر کس در هر مرتبه و مقامی و در هر وضع و حالی که باشد اگر همیشه و همه جا بیاد خدا نباشد قدر مسلم وقتی از همه جاما یوس گردد آخرین پناه خود را خدا میداند و خدا پرستی و شاهدوستی از تمام مظاهر صوری و معنوی مردم ایران درك میشود.

ملت ایران بحکایت شاهنامه و تاریخ‌های حقیقی و دور از افسانه (مثل جهانکشی جوینی) همیشه و مخصوصاً هر وقت احساس خطر میکرده بیاد شاهان خود جنبه معنوی

و روحانیت میداده و پیوسته میکوشیده است که معنویت شخص شاه را بزرگتر، عالی تر و برجسته تر مجسم کند و حتی المقدور صبر و منانیت و سکوت و ملایمت را شیوه خود ساخته و مانند نئی هر باد مخالفی را از سر رد کرده است .

امروز صدای سکوت آذر و فریادشادی نجات آذر با ییجان بگوش می رسد .

سکوت تقدیس و تمر کز ،

سکوت توفان و تلاطم ،

سکوت و نرزش قبل از تـگـرک و بارش ،

سکوت سازش و کشش قبل از جنبش و یورش ،

سکوت ارتعاش و لرزش پیش از پرش ،

سکوت انعقاد قبل از انفجار

همان سکوتیکه هنگام سختی پادشاهان جنبه معنوی میداد ،

همان سکوتیکه شاه را مظهر وحدت و مرکزیت و مانع تجزیه و انحلال می شناخت ،

همان سکوت که بهرام چوبینه با آن محبوبیت را هنگام طمع بمقام سلطنت

طرد کرد و پرویز پسر هرمز را تأئید نمود ،

همان سکوت و تمر کز و همان تلاش و جمعیت که ثابت کرد اطاعت و احترام

پادشاه ایران بر پایه محبت و اخلاص و علاقه خاص قرار گرفته است ،

همان سکوتی که مردم با ایمان ترکیه در زمان سیاستمدار مقتدر

وزیردستی مانند عبدالحمید و آن تشکیلات جاسوسی وی جمعیت سری تشکیل دادند

و تاروزیکه ظهور کردند کسی نتوانست جمعیت ایشان را کشف کند .

همان سکوتیکه وقتی رضاشاه فقید بطرف اصفهان حرکت کرد و نیروی

متفقین وارد تهران شد خنده را از لب مردم گرفت و پیر و جوان و مرد و زن و مسلم و

مسیحی و گبر یهود را پریشان و سر بگریبان کرد ،

همان سکوتیکه حمله هیاطله ، تجاوز مغول ، قشون اسکندر ، قدرت سلوکیه ،

سیلاب عرب ، یورش قراختائیان و فتنه غزهارا با خون سردی و ملایمت مخصوص «ضم

کردوسر سلامت از زیر آوار زور آوران بیرون آورد . همان سکوت آذر که تکرار شد و از ۲۱ آذر سال ۲۴ تا ۲۱ آذر سال ۲۵ طول کشید، همان سکوتی که همگی خون خوردند و خاموش بودند تا روز ۲۱ آذر شاهنشاه شخصاً بر فراز قافلانکوه پرواز و نحوه سرکوبی متجاوزین را بازدید کردند و فرمان نبرد و تصمیم سر بازان شجاع ایرانی در دفاع از تمامیت کشور با پشتیبانی و استقبال مردم آزادینخواه آذربایجان عوامل طغیان و عصیان را ازاله کرد .

ماروز درخشان ۲۱ آذر را که مظهر تجلی روح ملی و مؤید شایستگی و شهامت آرتش شاهنشاهی و مثبت جلال و شکوه فرماندهی و معرف قدرت و رشادت شاهنشاه در روز نجات آذربایجان است تهنیت میگوئیم و بآرتش دلیر ایران و روح شهدای وطن که با صدای سکوت قبلی محیط و مواضع قافلانکوه را شکافته و با خون خود قوای اهریمنی را سرکوب و نقشه تجزیه را نقش بر آب کردند درود میفرستیم و از خداوند مهربان مسألت می کنیم که شاه و کشور ما را بادیده عنایت بنگرد تا از اعراض دیگران نگران نمایم و از زور آوران در امان باشیم و اگر بادی شن را به او ابرد کسی باور نکند که ناموس ثقل نقص شده است .

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

اشتباه نشود برای اظهار عقیده و بحث و احتجاج سکوت پسندیده نیست و بطور کلی هر سکوتی علامت وقار و مظهر ابهت شناخته نمیشود بلکه باید اثری بروز داد و بر آن تکیه زد و از بحث و انتقاد ترسید .